یادداشت

دکتر یدالله جوانی

مخالفان و دشمنان انتخابات آزاد و سالم در ایران

استقلال، آزادی، قانون، مردم، حقوق بشر، صلح، امنیت و عدالت، مخالفان و دشمنانی دارند که اگر به درستی شناخته نشوند، به راحتی آسیب دیده و از بین می‌روند. خطرناک‌ترین مخالفان و دشمنان این مفاهیم و ارزش‌های اساسی در جوامع انسانی و دنیای کنونی، آن کسانی هستند که در سخن، دم از این ارزش‌ها زده و خود را پایبند به آنها معرفی می‌کنند، لکن با تفسیری که از این مفاهیم می‌کنند، در عمل رویکرد اصلی آنان استفاده ابزاری از ارزش‌ها برای تأمین منافع است. به عبارت دیگر، این مفاهیم و ارزش‌ها، تا جایی برای آنان قابل قبول است که منافعشان را تأمین کند. دولت‌های استکباری غربی از مصادیق برجسته و نمونه‌های بارز مخالفان و دشمنان این قبیل ارزش‌ها هستند. غربی‌ها از حقوق بشر، صلح، عدالت و آزادی سخن می‌گویند، لکن در عمل دشمنان اصلی حقوق انسان‌ها و صلح و ثبات و امنیت جهان، همین دولت‌های غربی هستند.

انتخابات آزاد، سالم و قانونی در ایران، از دستاوردهای ارزشمند انقلاب اسلامی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی طاغوت ایران و فروپاشی نظام سلطنت، اداره امور کشور به دست صاحبان اصلی آن یعنی مردم افتاد. از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، این بود که حضرت امام (ره)، ایران را از چنگال استبداد داخلی و استعمار خارجی خارج ساختند و آن را در اختیار ملت قرار دادند. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، اداره کشور ایران متکی به آرای عمومی است و مسئولان کشور در تمامی سطوح با انتخاب مردم به صورت مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می‌گردند. طی ۳۵ سال گذشته، این مردم بوده‌اند که با شرکت در انتخابات‌های مختلف، رؤسای جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا را برای دوره‌های تعریف شده بر مبنای قانون انتخاب کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد از ویژگی‌های انتخابات در ایران، چرخش قدرت میان نخبگان، جریان‌ها و جناح‌های سیاسی به صورت دوره‌ای از طریق انتخابات است. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند در طول سال‌های پس از انقلاب، قوه مجریه، قوه مقننه یا شوراهای اسلامی شهر و روستا، همواره در اختیار یک جریان یا یک جناح سیاسی بوده است. ورود و خروج جریان‌ها و جناح‌های سیاسی به درون ساختار قدرت سیاسی از طریق انتخابات، یک واقعیت مهم و اساسی را آشکار می‌سازد و آن اینکه انتخابات در ایران همواره سالم، رقابتی و در یک فضای دموکراتیک، آزاد و قانونی بوده و نظام اسلامی از ابتدا تا به امروز از رأی مردم به عنوان «حق‌الناس» صیانت نموده و در واقع امین رأی مردم بوده است.

تحولات و مسائل سیاسی سال‌های اخیر در کشور حکایت از آن دارد که وظیفه مسئولان در نظام برای امر صیانت از آرای مردم، سخت‌تر از گذشته شده و باید در این خصوص با دقت بیشتری عمل شود. امروزه بر اساس شواهد و قرائن بسیار فراوان، انتخابات آزاد و سالم در ایران، مخالفان و دشمنانی پیدا کرده است. مسئولان عالی نظام از یک سو و مردم که صاحبان اصلی این انقلاب و کشور هستند از دیگر سو، باید این مخالفان و دشمنان انتخابات آزاد، سالم و قانونی را به درستی بشناسند. مخالفان و دشمنان انتخابات قانونی، سالم و آزاد، دارای دو ویژگی اساسی هستند:

۱- اولین ویژگی افراد اصلی و بعضاً پشت صحنه این جریان، اشرافیت و دنیاگرایی آنان است. متأسفانه در دوران پس از انقلاب، کسانی با سوءاستفاده از موقعیت‌ها و مسئولیت‌ها، رو به خاصه‌خواری و رانت‌خواری آورده و به تدریج صاحب ثروت‌های بادآورده شدند. این نوکیسه‌ها که قدرت و ثروت را به هم گره زده بودند، کم‌کم به یک جریان به هم پیوسته و وابسته تبدیل شده و یک طبقه اشرافیت را پدید آوردند. افراد این جریان را از طریق کارخانه‌ها و سهام فراوانشان در شرکت‌ها، از طریق خانه‌های مجلل و باغات و ویلاهایشان، از طریق سفرهای پرخرج و مستمر تفریحی اعضای خانواده‌هایشان به امریکا و کشورهای اروپایی، از طریق بورس‌های تحصیلی فرزندانشان در غرب و از طریق سکونت و زندگی بعضی از بستگان نزدیک‌شان با تابعیت‌های دوگانه در کشورهای اروپایی و امریکا می‌توان شناخت. این افراد را از طریق علایق شدیدشان به غرب و تلاش روزافزونشان برای قرار دادن ایران در مدار غرب می‌توان شناخت.

۲- دومین ویژگی این جریان، نوع نگاهشان به انتخابات در سال‌های اخیر و پس از ورودشان به مرحله اشرافیت و چشیدن طعم لذایذ دنیایی در پرتو قدرت و ثروت است. این جریان در چنین وضعیتی که قرار گرفت، تأمین دنیا و عافیت‌طلبی، تأمین دنیا و اشرافی‌گری و تأمین دنیا و ثروت‌اندوزی‌اش را با حضور دائمی در قدرت جست‌وجو کرد. با تحول اینگونه‌ای در احوالات برخی از نیروهای با سابقه در انقلاب، جریانی از درون خانواده انقلاب پدید آمد که رویکرد پیشینش مبنی بر ارزش‌گرایی، به رویکردی معطوف به قدرت‌گرایی و بقا در قدرت تبدیل شد. از اینجا بود که این جریان، دموکراسی و انتخابات در کشور را، به شرط چاقو پذیرا شد. از اینجا بود که این جریان، انتخاباتی را به عنوان یک انتخابات آزاد، سالم، قانونی و دموکراتیک قبول داشت که نتیجه‌اش برای او باشد. بدیهی است که این نوع نگاه و رویکرد به انتخابات، با فلسفه انتخابات و گردش قدرت میان جریان‌ها، جناح‌ها و نخبگان در تعارض بوده، به انتخابات نگاهی ابزاری، صوری و فرمایشی دارد. اما نکته مهم در اینجاست که این جریان بیش از دیگران شعار انتخابات آزاد، انتخابات رقابتی، انتخابات سالم و انتخابات قانونی را سر می‌دهد تا مردم متوجه قضایای پشت صحنه نشوند. این داستان، همانند فریادهای حقوق بشری امریکا در عصر حاضر است. امریکا خود را در دنیا پرچمدار اصلی دفاع از حقوق بشر معرفی می‌کند، لکن بیشترین جنایت‌ها علیه بشریت در عصر کنونی از سوی همین کشور و حاکمان ستمگرش صورت می‌پذیرد. آری، اکنون یکی از چالش‌های اصلی نظام اسلامی در صیانت از حقوق مردم و به ویژه آرای عمومی به عنوان حق‌الناس، همین جریان قدرت‌گرای منفعت‌طلب است. داستان فتنه‌ای که در سال ۸۸ در کشور پدید آمد، دست‌پخت و محصول همین جریان دنیاطلب بود. البته از آنجا که حضور یک جریان دنیاگرا و منفعت‌طلب در قدرت سیاسی در کشور انقلابی ایران برای غربی‌ها مفید ارزیابی می‌شود، کشورهای غربی نه تنها با این جریان پیوند برقرار می‌کنند، بلکه برای رساندنشان به قدرت، با تمام قوا به صحنه می‌آیند. فتنه ۸۸ نشان داد که چگونه غرب برای رساندن جریان دلخواه خود به قدرت، وارد عرصه می‌شود و در این راستا سرمایه‌گذاری می‌کند. غربی‌ها بر اساس تجربه طولانی‌ای که در امر استعمارگری دارند، به خوبی دریافته‌اند که در صورت حضور افراد عافیت‌طلب و دنیاگرا در قدرت سیاسی کشورهای هدف، منافع آنها نیز به راحتی تأمین می‌گردد زیرا افراد و جریان‌های قدرت‌گرای منفعت‌طلب برخلاف نیروهای آرمان‌گرا، اهل معامله و زد و بند می‌باشند.

مردم ایران باید نسبت به چنین افراد و جریانی هوشیار باشند. دشمنان اصلی این انقلاب و ملت، تمامی امیدشان به چنین جریانی در کشور است. مردم باید این جریان، ساز و کارها، شیوه‌ها و روش‌هایش برای تأمین منافع دنیایی‌اش را، به خوبی بشناسند. اکنون و یک سال مانده به انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی دوره دهم، مطالبی در فضای رسانه‌ای و در برخی از نشست‌ها و همایش‌ها مطرح می‌شود که بسیار شباهت دارد با آنچه در آستانه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری مطرح شد. مطالب و مباحثی که زمینه‌ساز فتنه ۸۸ بود. بنابراین در چنین فضایی هم مسئولان نظام باید مراقبت از حق‌الناس نمایند و هم مردم باید هوشیار باشند و فریب مکاران را نخورند. البته نظام و مسئولان عالی آن تا به امروز اثبات کرده‌اند که روی حقوق مردم با کسی معامله نخواهند کرد. در سال ۸۸ که شاهد شورش همین جریان اشرافیت علیه جمهوریت نظام و آرای مردم بودیم، مسئولان نظام در برابر این توطئه ایستادند و از حق مردم دفاع کردند. بنابراین صیانت از آرای مردم، وظیفه همیشگی مسئولان بوده و هست. آنچه مهم است، اینکه مردم با هوشمندی به این صحنه‌ها بنگرند و با بصیرت نافذ، وظیفه خود را در قبال دنیاگران قدرت‌طلب که مسئولیت در نظام اسلامی را نه برای خدمت و پیشبرد کشور به سمت آرمان‌ها، بلکه برای تأمین دنیای خود می‌خواهند، به درستی انجام دهند.

خبر یک

جانشین فرمانده کل سپاه، صهیونیست‌ها را تهدید کرد

کرانه باختری را تسلیح می‌کنیم، انتقام ویژه هم می‌گیریم

اجوان

ما علاوه بر بازگشایی جبهه کرانه باختری، به‌عنوان یک تلافی اختصاصی از این ماجرا، حتماً انتقامی خاص برای این موضوع در نظر خواهیم گرفت.

به گزارش تسنیم، سردار سرتیپ حسین سلامی، جانشین فرمانده کل سپاه طی سخنانی در شبکه خبری العالم گفت: بازگشایی جبهه جدید در کرانه باختری که بخش عمده‌ای از فلسطین عزیز ما است، حتماً در دستور کار خواهد بود و این امر بخشی از واقعیت جدیدی است که به تدریج رخ عیان خواهد کرد. وی تأکید کرد: البته ما علاوه بر بازگشایی (جبهه) کرانه باختری، به عنوان یک تلافی اختصاصی از این ماجرا، حتماً انتقامی خاص برای این موضوع در نظر خواهیم گرفت.

جانشین فرمانده کل سپاه افزود: بازگشایی جبهه کرانه باختری، همچنین حمایت از گروه‌های جهادی فلسطین و لبنان، ایجاد ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های جدید دفاعی برای مسلمانانی که در جوار مرزهای رژیم صهیونیستی و فلسطین اشغالی زندگی می‌کنند، از سیاست‌های گذشته ما است که برای آینده هم تداوم خواهد یافت. اما ما اختصاصا برای تلافی و انتقام‌گیری از حادثه‌ای که در قنیطره و نزدیک جولان اتفاق افتاد، حتماً کار خاصی انجام خواهیم داد.

سردار سلامی در پاسخ به اینکه آیا این پاسخ و انتقام، توسط ایران صورت خواهد گرفت یا گروه‌های مقاومت، اظهار داشت: کیفیت آن را نمی‌شود اعلام کرد و ما در صدد اعلام کیفیت آن نیستیم اما اتفاقی است که ان‌شاءالله خواهد افتاد. وی افزود: اتفاقی که در قنیطره افتاد و منجر به شهادت تعدادی ازفرزندان امت اسلام، اعم از برادران حزب الله لبنانی و همینطور سردار شهید «الله دادی» شد، در حقیقت پژواک و بازتاب و پیامد تحولاتی بود که ظرف ماه‌های گذشته درمنطقه شرق مدیترانه اتفاق افتاد. جانشین فرمانده کل سپاه تأکید کرد: این ماجرا همچنین بازتابی از مجموعه رخدادها و وقایعی بود که در جهان اسلام صورت گرفته بود؛ به عنوان مثال وقتی که رژیم صهیونیستی از جنگ ۵۱ روزه با شکست خارج شد یا به تعبیری از هلاکت نجات پیدا کرد، همه دنیا شاهد بروز معمای امنیتی جدیدی در وضعیت امنیتی رژیم صهیونیستی شد. وی تأکید کرد: همان طور که در بیانیه فرماندهی محترم کل سپاه ملاحظه کردید، سپاه و حزب الله در صحنه‌های تاریخی گذشته نشان دادند که هیچ عملی را بدون پاسخ و انتقام رها نمی‌کنند.

■ پاسخ ترور دانشمندان را دادیم، خودشان می‌دانند

جانشین فرمانده کل سپاه تأکید کرد: شما دیدید یک دوره، صهیونیست‌ها دانشمندان هسته‌ای ما را ترور کردند، اما فقط خود آنها می‌دانند که پاسخ این اقدام را ما کجا دادیم، ما اعلام نمی‌کنیم اما خود آنها می‌دانند، بعد از آن (از ترور دانشمندان هسته‌ای) دست کشیدند. سردار سلامی خاطرنشان کرد: اینها در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، هشت روزه و ۵۱ روزه؛ ضرب‌شست‌های ما را دیدند، بنابراین ما تراز جدیدی از قدرت ایجاد می‌کنیم و حتماً میدان‌های جدیدی را در مقابل آنها فعال خواهیم کرد. واقعیت‌های جدیدی شکل خواهد گرفت، آینده این واقعیت‌ها را حتماً نشان خواهد داد. وی اظهار داشت: امروز بر خلاف گذشته کل فضای فلسطین اشغالی یعنی منطقه‌ای که صهیونیست‌ها در آنجا زندگی می‌کنند محل تقاطع آتش گروه‌های جهادی فلسطینی و حزب‌الله لبنان است، این امر نشان‌دهنده بروز نگرانی، تهدید و معمای امنیتی است که رژیم صهیونیستی قادر به فرار از آن نیست. جانشین فرمانده کل سپاه افزود: علاوه بر این شما ملاحظه می‌کنید که راهبرد امریکایی‌ها در سوریه که از منظر خاستگاه ژئوپلتیک رژیم صهیونیستی به این قضیه نگاه می‌شود، ظرف سال‌های گذشته با شکست مواجه شده است.

سردار سلامی تأکید کرد: یعنی این مشعل سیاسی امریکایی‌ها در سوریه در حال افول و غروب است و آنها نه تحولات میدانی را در سوریه توانستند مدیریت کنند و نه تحولات سیاسی و امنیتی را؛ بنابراین امروز با یک استراتژی، سیاست و سناریوی ناقصی در سوریه مواجه هستند و وضعیت امنیتی و آینده سوریه برای آنها معمای غیر قابل حلی شده است. وی اظهار داشت: این امر به این معنا است که هیچ فرمول سیاسی برای امریکایی‌ها و هیچ فرمول نظامی برای تسلط بر تحولات سوریه به چشم نمی‌خورد؛ از طرف دیگر ما شاهد تحولاتی در عراق بودیم که نشان دهنده به حاشیه رانده شدن تاثیرو نفوذ امریکایی‌ها در عراق است. جانشین فرمانده کل سپاه اظهار داشت: امریکایی‌ها نتوانستند روی زمین و در هوا حتی با ایجاد ائتلاف ضد داعش هیچ نقش و تاثیری تعیین کننده در تحولات میدانی ماه‌های اخیر عراق داشته باشند؛ علاوه بر آن نتوانستند تاثیر تعیین کننده‌ای در ساماندهی و تحولات سیاسی عراق داشته باشند و احساس می‌کنند که به حاشیه حوادث رانده شدند.

■ واقعیت جدید برای غرب و صهیونیست‌ها در منطقه

سردار سلامی با بیان اینکه امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها در حال رؤیت واقعیت جدیدی هستند، تأکید کرد: این واقعیت جدید این است که دیگر نه امریکایی‌ها و نه صهیونیست‌ها و نه اروپایی‌ها و نه متحدان منطقه‌ای آنها با همه هزینه‌های اقتصادی و با همه شارژهای ایدئولوژیک و اعتقادی و حمایت‌های نظامی و ائتلاف‌های نظامی قادر نیستند نقشی محوری در آفرینش تحولات سیاسی و امنیتی این منطقه داشته باشند.

جانشین فرمانده کل سپاه اظهار داشت: شما وقتی به صحنه یمن نگاه می‌کنید احساس می‌کنید که آن نیروهای الهام یافته از انقلاب اسلامی امروز در حال بازیابی نقش گسترده‌ای هستند که با منافع سیاسی امریکا و متحدان منطقه‌ای آن کاملاً در تضاد است. سردار سلامی اظهار داشت: تحولات یمن هرگز به نفع سیاست امریکایی‌ها در حال پیشرفت نیست. وی تأکید کرد: شعله‌های انقلاب را در بحرین ملاحظه می‌کنیم که هرگز خاموش نمی‌شود و این روند هم با سیاست‌ها و اهداف امریکایی‌ها در تضاد است. بالاخره بحرین یکی از پایگاه‌های استراتژیک امریکایی‌ها در منطقه خلیج فارس است. امریکا در حال روبه‌رو شدن با پدیده نگران کننده جدیدی است، در مجموع آنها احساس می‌کنند موازنه قدرت بین خودشان و انقلاب اسلامی را از دست دادند؛ یعنی انقلاب اسلامی در حال توسعه شعاع‌های نفوذ الهام‌بخشی خود است. جانشین فرمانده کل سپاه گفت: اشتباهی که آنها همواره مرتکب می‌شوند، آن است که تصور می‌کنند می‌شود با یک کارهای جزئی تاکتیکی، می‌توان یک معادله راهبردی را به هم زد و معادله راهبردی جدیدی را شکل داد. این اشتباهی است که آنها می‌کنند. البته این نشان دهنده تمام حجم قدرتی است که آنها می‌توانند به کار بگیرند. سردار سلامی افزود: یعنی صهیونیست‌ها، تمام اراده سیاسی خود را در شهید کردن شش رزمنده می‌بینند. این در قیاس اتکا به یک قدرت جهانی مثل امریکا و یک قدرت سیاسی مثل اروپا و همینطور قدرت نظامی خود رژیم صهیونیستی، اصلا عددی به شمار نمی‌رود. وی تأکید کرد: تصور آنها این است که می‌توانند با این لرزه‌های تاکتیکی، سطح راهبردی وسیعی از نفوذ و تاثیر ایجاد کنند ولی اصلا این اقدامات در مجموعه قدرت و جبهه مقاومت چیزی به حساب نمی‌آید. جانشین فرمانده کل سپاه ادامه داد: اما این امر واقعیت جدیدی را نشان می‌دهد؛ اولا اینکه آنها در حال زوال هستند، واقعا عملیاتی که فاقد منطق راهبردی و تاکتیکی است و نشان می‌دهد که ظرفیت‌های تدبیر راهبردی آنها به انتها رسیده است، بیانگر روند رو به زوال قدرت و تاثیر این قدرت است که این برای ما دستاوردهای روشنی دارد.

سردار سلامی افزود: اما نکته دیگر اینکه انگیزه‌های مقاومت و انتقامجویی را تحریک می‌کند، این انگیزه‌ها را رشد می‌دهد و ما را به باورهای جدید و به طراحی‌های جدید برای تلافی گسترده‌ای نسبت به این وضعیت هدایت می‌کند.

■ هر اقدام اسرائیل ریشه در استراتژی امریکا دارد

وی در پاسخ به سؤالی درباره اظهارات برخی تحلیلگران مبنی بر اینکه تجاوزگری اسرائیل در قنیطره احتمالاً با هماهنگی امریکا صورت گرفته است، اظهار داشت: مطمئناً، این دو یک مجموعه سیاسی واحد تلقی می‌شوند. هم امریکایی‌ها در میدان استراتژی اسرائیلی‌ها عمل می‌کنند و هم اسرائیلی‌ها به عنوان بخش لاینفکی از سیاست منطقه‌ای امریکایی‌ها هستند.

جانشین فرمانده کل سپاه افزود: بنابراین، هر عملی که اسرائیلی‌ها انجام می‌دهند ریشه در تفکر و استراتژی امریکایی‌ها دارد و ما هم این دو پدیده را از هم جدا نمی‌کنیم.

سردار سلامی تأکید کرد: مجموعه نبرد ما با رژیم صهیونیستی و متحدان راهبردی آن به خصوص امریکا یک مجموعه و پکیج به هم پیوسته است. آنچه که شما امروز به عنوان نبردهای نیابتی بین انقلاب اسلامی و دنیای استکبار با محوریت امریکا می‌بینید، در حقیقت توصیف همین واقعیت است. امریکایی‌ها از لنز صهیونیست‌ها به صحنه نگاه می‌کنند و قصدشان این است که کشورهای اسلامی را تضعیف و متلاشی و چند تکه کنند تا رژیم صهیونیستی در توازن قدرت برنده بشود و هم اینکه دوست دارند سیاست‌هایشان را در منطقه جاری کنند.

■ میدان مواجهه راهبردی ما با امریکا باز است

وی گفت: ما با سیاست‌های امریکا در منطقه مخالف هستیم و با همه ابزارهای ممکن از موفق شدن آنها در اعمال سیاست‌ها و استراتژی‌هایشان جلوگیری می‌کنیم و از بیان این حقیقت هم هیچ ابایی نداریم. جانشین فرمانده کل سپاه تأکید کرد: بنابراین، میدان مواجهه راهبردی ما با امریکا باز است، همان طوری که آنها جبهه را در مسائل هسته‌ای، تحریم‌های اقتصادی، هجمه‌های فرهنگی، فتنه‌های داخلی، عملیات روانی، در حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی و تلاش برای از بین بردن نفوذ منطقه‌ای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، باز گذاشته‌اند.

سردار سلامی گفت: میدان‌های راهبردی نبردمان با امریکایی‌ها در امتداد این جبهه‌هایی که نام برده شد با روش‌های خاص خودش جریان دارد، گاهی با استفاده از روش‌های دیپلماتیک و سیاسی و گاهی به روش‌های دیگر. وی اظهار داشت: این مبارزات و روش‌ها ادامه دارد تا جایی که امریکایی‌ها حقایق و واقعیت‌های درون جهان اسلام را به رسمیت بشناسند و از جهان اسلام خارج شوند و همزیستی مسالمت‌آمیز بر اساس احترام و اعتماد متقابل با دنیای اسلام را بشناسند وگرنه، مادامی که آنها بخواهند جهان اسلام را به میدان بازی برای سیاست‌های منطقه‌ای خود تبدیل کنند، مطمئناً همه انرژی‌های موجود در جهان اسلام هم علیه آنها بسیج خواهد شد.

سردار سلامی در پاسخ به این سؤال که آیا تجاوز رژیم صهیونیستی به قنیطره به مذاکرات ایران با گروه ۱+۵ و امریکا مرتبط است، اظهار داشت: این نظریه هم می‌تواند در کنار نظریه‌ای که من ابتدا ارائه دادم، یعنی به عنوان بازتابی از شکست‌های گذشته در نظر گرفته شود.

جانشین فرمانده کل سپاه در پاسخ به این سؤال که آیا ممکن است اینگونه حملات تنش‌آفرینی‌های رژیم صهیونیستی موجب جنگ مستقیم ایران و رژیم صهیونیستی شود، اظهار داشت: به لحاظ اصولی هیچ چیزی غیرممکن نیست. البته، ما اعتقاد داریم که هم امریکایی‌ها و هم صهیونیست‌ها در موقعیتی نیستند که جرئت و اراده انجام چنین سناریوی مخرب و ویرانگری را داشته باشند، چون حتی چنین تصوری در ذهن آنها یک کابوس بسیار خطرناکی است زیرا آنها را در معرض فروپاشی قطعی قرار خواهد داد. سردار سلامی در پایان تأکید کرد: اجتناب آنها از درگیری مستقیم با جمهوری اسلامی ایران یک واقعیت اثبات شده است. این به دلیل تأثیرات فوق‌العاده مخرب و ویرانگری است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در ممات این رژیم ایجاد کند. اما ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران همواره برای هر سناریویی آماده هستیم. واکنش‌های ما بر سناریویی کاملاً طراحی شده، سازماندهی شده و معین است و هر زمان که شرایط اتخاذ هر استراتژی وجود داشته باشد، آن را انتخاب و اعمال خواهیم کرد. خوشبختانه واقعیت‌های گذشته تاریخی نشان می‌دهد که حرف‌های ما فقط بیاناتی در کلام یا عباراتی روی کاغذ نبود بلکه واقعیت‌هایی روی زمین و میدان بوده است.

سرمقاله

اصولگرایی الگویی برای پیوستگی با نظام

ادامه از صفحه اول

گویی از فردای انتخابات اصلاً انتخاباتی نبوده است؛ نه اعتراض، نه پرخاشگری و نه تولید محتوا برای رسانه‌های غرب و نه اردوکشی خیابانی. به منتخب مردم تبریک گفتند و اعلام همکاری کردند. اما ۱۳۸۸ را بنگرید که اصلاح‌طلبان با همه وجود وارد انتخاباتی شده بودند که از شش ماه قبل تقلب در آن را حتمی می‌دانستند و به تذکرات رهبری در اول فروردین و در مشهد مقدس هم توجهی نکردند و آن کردند که مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان (شهریور ۸۸) فرمودند «مسئله اصلی را گم نکنید، مسئله اصلی این بود که از فردای انتخابات کاری کردند که نظام جمهوری اسلامی با مشارکت ۸۵درصدی مردم نتوانست سرش را در مقابل چشم ملت‌های اسلامی بالا بگیرد و...»

۳- فاصله گرفتن از اصول انقلاب توسط هر کس و در هر سطحی باشد منجر به فاصله گرفتن اصولگرایان از وی خواهد شد. احمدی‌نژاد، موسوی و کروبی در این مسیر تفاوتی نمی‌کند. میزان پایبندی به نظام و ارکان و سیاست‌های کلی آن موضوعیت دارد. عده‌ای در یک بازی کثیف هم می‌خواهند عملکرد احمدی‌نژاد به پای اصولگرایان نوشته شود و هم هر جا یک فرد اصولگرا نکته‌ای علیه احمدی‌نژاد می‌گوید به تیتر یک خود تبدیل می‌کند. این بازی یعنی تهی کردن سیاست از اخلاق و... . اما در جناح اصلاحات حتی یک بار از فردی دون پایه چون اکبر گنجی به خاطر توهین به امام، نفی مهدویت و عصمت انتقاد نشده است. هنوز بر پیوستگی با ضد انقلاب خارج و داخل به اسم «ایران برای همه ایرانیان» اصرار ورزیده می‌شود و ...

۴- فساد اقتصادی از هر کس و در هر سطحی بوده است، اصولیون در مقابل احکام صادره تمکین کرده‌اند. از خداداد و رفیق دوست گرفته تا مه آفرید و رحیمی و... هیچ اعتراضی از اصولگرایان به این احکام در تاریخ ثبت نشده است. اما موردی نبوده است که یک اصلاح‌طلب در فسادی بوده باشد و برخورد با وی را برخورد با جریان تلقی نکرده باشند. هیچ اصلاح‌طلبی به کروبی نگفت تو چرا از شهرام جزایری پول گرفته‌ای ....

بنابراین شرط پیوستگی با نظام و تعریف خود در درون آن در همین نقاط فهمیده می‌شود که باید تصمیم نظام را تصمیم نظام بدانیم و تمکین نماییم. نمی‌توان هم پرستیژ روشنفکری مقابل غرب را حفظ کرد و مدرن بود و هم از اجرای حدود الهی احساس شرمندگی کنیم و هم هنگام میل به قدرت پرچمدار انقلاب اسلامی و امام باشیم و کاریکاتوری از صدر انقلاب را به امروز منتقل کنیم و پشت آن مخفی شویم.

نمی‌شود اگر رهبر فرمودند «رأی حق‌الناس» است، پیرو رهبری شویم. اما اگر فرمودند «این بحث تقلب چیست که می‌کنید. کی گفته؟ چگونه قرار است تقلب شود؟» به کلی نشنیده بگیریم. وقتی رهبری فرمودند: «ای کسانی که نظام را قبول ندارید به خاطر کشورتان رأی دهید» به‌به بگویید اما وقتی شما را از اردوکشی خیابانی منع می‌کند، منافقانه چیز دیگری می‌گویند. این پارادوکس‌ها می‌تواند جریان اصلاحات را (به‌رغم داشتن نخبگان فکری) به عنوان یک جریان منفعت‌طلب و آتش به اختیار تقلیل دهد. شرط لازم برای عبور از این وضعیت تمسک به «تقوای جمعی» و مرزبندی هویتی است.

گزیده خبر

آیت‌الله جنتی: رفع حصر مسئله ملت ایران نیست

مردم از این موضوع (حصر) خوشحال هستند و اینکه چهار نفر هم پیدا شوند که از این موضوع ناراحت باشند و آن را در تریبون‌های‌شان اعلام کنند، ربطی به جامعه و نظام و ۷۸ میلیون ایرانی ندارد.

به گزارش تسنیم، آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان پیش از ظهر شنبه در همایش سراسری ستاد دهه فجر، به موضوع حصر اشاره کرد و گفت: اینکه رهبری فریاد می‌زنند و می‌خواهند بفهمانند مسئله در فتنه براندازی بود را باید درک کنیم و بر دهان آنهایی بزنیم که ادعا می‌کنند باید حصر برداشته شود؛ مگر می‌شود فتنه‌گر دوباره بیرون بیاید و فتنه کند. باید در ۲۲ بهمن بر دهان کسانی که این تفکر انحرافی را دارند، بزنیم.

دبیر شورای نگهبان با بیان این مطلب که حصر جزو سیاست‌های کلی نظام است و مگر می‌شود این سیاست کلی نظام را برداشت، گفت: فتنه مسئله جزئی نبود که بخواهیم از کنار آن بگذریم و باید تا آنجایی که توان است این مطلب را عریان بیان کنیم. آیت‌الله جنتی به موضوع اهانت نشریه فرانسوی به پیامبر گرامی اسلام(ص) اشاره کرد و گفت: این توهین تنها کار فرانسوی‌ها نبود، کار همه کشورهای غربی و امریکا و البته اسرائیل بود که باید این موضوع معرفی شود. دبیر شورای نگهبان با بیان این پرسش که وقتی مقام پیامبر (ص) مورد اهانت قرار می‌گیرد آنها برای چه کسانی احترام قائل هستند، اظهار داشت: ما باید خودمان مسئله را بفهمیم و آنچه خودمان می‌فهمیم به دیگران بفهمانیم؛ ۲۲ بهمن یکی از این وسیله‌هاست که باید پیام خود را به دیگران برسانیم. باید در ۲۲ بهمن به دنیا، امریکا، اسرائیل، فرانسه و بی‌دین‌های لامذهب و بی‌شعور بفهمانیم که در دنیا، انقلابی هست که ارزش‌ها، خداوند و پیامبر (ص) را حمایت می‌کند و از هیچ کس هم نمی‌ترسد و خداوند نیز او را حمایت می‌کند و این را باید به همه بفهمانیم. جنتی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به مسئولیت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در ۹ دی و ۲۲ بهمن به نقش و اهمیت این مراسم‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و گفت: باید هدف اصلی این حرکت‌ها به صحنه آوردن مردم و نشان دادن وجود مردم و پایداری و وفاداری آنها به ارکان انقلاب، امام، رهبری، ولی‌فقیه و نظام جمهوری اسلامی ایران باشد که این پشتیبان قدرت نظام و مسئولان است. وی اضافه کرد: تلاش دشمن بر این است که بتواند مردم را از نظام جدا کند یا به‌گونه‌ای وانمود کند که مردم از نظام فاصله گرفته و دیگر از آن روحیه وفادار به نظام، امام و شهدا خبری نیست و مردم ناامید و مأیوس شده‌اند و فداکاری گذشته را از دست داده‌اند اما وظیفه ما این است که این هدف کثیف دشمن را از بین ببریم و این با حضور در صحنه‌ها میسر می‌شود.

دبیر شورای نگهبان با بیان اینکه «در این هدف دشمن نیز ما پیروزیم و آنها در توطئه‌های خود شکست خواهند خورد»، اظهار داشت: برخی از اشخاص در داخل که مقاصد شومی در سر دارند نیز می‌خواهند دشمن را در این هدف یاری دهند.

در داخل کسانی هستند که مردم و نیروهای انقلابی را نمی‌شناسند و تنها مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها را می‌بینند، بنابراین اینها نمی‌توانند باور کنند که مردم ایستاده‌اند و مقاومت می‌کنند. جنتی بر همین اساس خاطرنشان کرد: این تفکر بین افراد مؤثر در داخل وجود دارد که معتقدند باید سراغ دشمن رفت و با آنها کنار آمد، با امریکا کنار آمد تا فشارها و تحریم‌ها کم شود و اقتصاد فعال شود، این فکر یک خطر است که متأسفانه بین افرادی که نقشی در مدیریت‌ها دارند، وجود دارد و این گونه باور دارند که نمی‌شود مقاومت کرد و مردم مقاومت نمی‌کنند و می‌گویند باید تسلیم شد، غافل از اینکه دشمن هم همین هدف را دنبال می‌کند.

فوری

■ پاسخ معنادار مردم به رفراندوم هسته‌ای

در حالی که بحث مراجعه به آرای عمومی برای مسائل مهم کشور طی هفته‌های اخیر به یکی از موضوعات اساسی رسانه‌های یک جریان خاص تبدیل شده بود، یافته‌های یک نظرسنجی از پاسخ معنادار مردم درباره مسئله هسته‌ای کشور حکایت دارد.

براساس این نظرسنجی که توسط یک مرکز خاص دولتی با محوریت مذاکرات هسته‌ای انجام شده است، جامعه آماری در پاسخ به این سؤال که آیا ما باید در برابر فشار غرب مقاومت کنیم یا عقب نشینی نماییم، ۷۶ درصد پاسخ داده‌اند که نباید مقابل زیاده‌خواهی غرب عقب‌نشینی کرد. همچنین در پاسخ به این سؤال که موضع ما با تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای چگونه باید باشد، ۶۸ درصد بر حمایت از تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای تأکید کرده‌اند.

روند مذاکره باید قطع شود یا ادامه دهیم؟ سؤال دیگری است که مورد پرسش قرار گرفته است. ۷۰درصد پاسخگویان بر ادامه مذاکرات تأکید کرده‌اند.

در ادامه این نظرسنجی ۷۶درصد جامعه آماری غرب و امریکا را غیرقابل‌اعتماد دانسته و ۷۵ درصد آنها مسئله هسته‌ای را بهانه غربی‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی دانسته‌اند که بر فرض حل شدن موضوع هسته‌ای غربی‌ها سراغ بهانه‌های دیگر خواهند رفت.

در حالی که افکار عمومی ماهیت غرب در مواجهه با جمهوری اسلامی را کاملاً شناخته‌اند و این نگاه می‌تواند بهترین پشتوانه برای تیم مذاکره کننده هسته‌ای به عنوان سربازان خط مقدم دیپلماسی قرار گیرد، معلوم نیست که چرا نتایج این نظر سنجی انتشار عمومی پیدا نمی‌کند! شاید نتیجه و برآیند افکار عمومی درباره مسئله هسته‌ای مورد دلخواه جریانی خاص در دولت نبوده است!

■ فشار بر کمیسیون اصل نود برای قرائت نشدن گزارش واردات بنزین

برخی مراکز ذینفع برای قرائت نشدن گزارش کمیسیون اصل نود مجلس درباره گزارش واردات بنزین، رایزنی و فشار گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند.

یک منبع مطلع با بیان این خبر به «جوان» گفت: در این گزارش به صراحت اعلام شده که بنزین‌های وارداتی استاندارد نیست. همچنین در این گزارش به نقش تلویحی بستگان یکی از مقامات در واردات بنزین اشاره شده است. پیش از این در فضای رسانه‌ای، یک جریان خاص تبلیغات گسترده‌ای راه افتاده بود که بنزین‌های تولید داخل غیراستاند